

تکبرگی راه کارگر

شماره ۱۴۳

شنبه ۱۸ اسفند ۱۳۸۰ - ۹ مارس ۲۰۰۲

سردبیر: ارژنگ بامشاد

روزنامه سیاسی هیئت اجرایی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

طرح وضعیت فوق العاده.

شبه کودتای تمامیت خواهان

ارژنگ بامشاد

زمره های اعلام وضعیت فوق العاده، اکنون دیگر از بحث های محافل سیاسی حکومتی فراتر رفته و به طرح مصوب تبدیل شده است. روزنامه «بنيان» در شماره ۱۶ دوشنبه ۱۳ اسفند ۸۰ خود در مقاله ای با عنوان «اصرار» نوشت: «اصراری که برای برقراری وضعیت فوق العاده در کشور وجود داشت بالاخره نتیجه بخشید و یکی از مقامات مهم عضو شورای عالی امنیت ملی خبر آن را به طور مختصر در جایی گفت: "در شورای عالی امنیت ملی برنامه مناسبی تصویب شده است که به زودی ابلاغ می شود و جای هیچ گونه نگرانی وجود ندارد"». و حبیب الله عسگرآولادی نیز در سخنانی در جمع دبیران جمعیت مؤتلفه اسلامی شهرستان که در روزنامه «رسالت» ۱۳ اسفند ۸۰ به چاپ رسیده گفت: «ما باید آماده باشیم اگر شورای عالی امنیت ملی وضعیت فوق العاده اعلام کرد از دولت و مسئولین تصمیم گیر در شرایط فوق العاده حمایت و پشتیبانی کنیم». با این شواهد، اعلام وضعیت فوق العاده علی رغم مخالفت اصلاح طلبان و حتی برخی از اعضای شورای عالی امنیت ملی، به نظر می رسد وارد مرحله اجرایی خود شده است.

اما سوال کلیدی این است که هدف تمامیت خواهان از تأکید بر وضعیت فوق العاده چیست و به امید چه دست آوردهایی به آن دست می زنند؟ برای پاسخ به این سوال، باید بر این نکته تأکید کرد که از انتخابات ۴ خرداد ۷۶، که تمامیت خواهان سلی محکمی از مردم خوردند و این سلی ها در سال های گذشته چندین و چند بار تکرار شد، هم واره تلاشی برای بازگشت به شرایط قبل از دوم خرداد و عقب نشاندن جنبش مردمی، یکی از هدف های تمامیت خواهان و دستگاه ولایت بوده است. آن ها که از بازگرداندن شرایط به نفع خود از طرق "قانونی" حتی در چهارچوب همین قانون اساسی ضدموکراتیک جمهوری اسلامی ناامید شده اند، در تمامی این مدت طرح های کودتایی برای بر هم زدن بازی به جریان انداخته بودند. آن ها در شب پایان شمارش آرای انتخابات اولین دوره ریاست جمهوری خاتمی، قصد داشتند همه چیز را به هم بریزند؛ در جریان جنبش دانشجویی ۱۸ تیر ۷۸ نامه فرماندهان سپاه و ارتش به خاتمی، بیان همین طرح بود؛ در فاصله ای انجام انتخابات مجلس ششم و تشکیل این مجلس با بستن فله ای مطبوعات، و برجسته کردن درگیری های دیپلماتیک با افغانستان، در صد اجرایی همین برنامه بودند. به دیگر سخن تمامیت خواهان برای بازگرداندن آب رفته به جوی، هم واره مشتاق اعلام بقیه در صفحه ۲

به گرامی داشت

جهانی بودن روز زن

حمیلا نیسگیلی

سیستم مردسالاری در بهم تنیدگی حاکمیت سرمایه، در مقابل رشد و گسترش نافرمانی زنان، علی رغم کلیه تفاوت های ظاهری جوامع مختلف روی زمین، با استدلالات و استناد به تعاریف مشابه از خصوصیات زن و نقش و وظایف اش در خانواده و اجتماع و جای گاه او در مذهب، به مقابله برخاسته است و تلاش کرده است تا مانع رشد زنان و تغییر توازن موجود بین دو جنس گردد. تاریخ مبارزات زنان در کشورهای گوناگون سند این ادعاست. علی رغم رنگ پوست، جغرافیای متفاوت، خصوصیات ملی و قومی، اعتقادات مذهبی و بومی، زنان در دوره های معین از رشد نیروهای مولد و روابط حاکم بر آن با مسائل و مشکلات مشابه روبرو شده اند و علی رغم همه تفاوت هایی که جوامع با یک دیگر داشته اند با شعارها و خواسته هایی هم سان برای غلبه بر تحقیر، تبعیض، ستم و استثمار "زن" به مبارزه برخاسته اند. میزان رشد نیروهای تولید و روابط تولیدی ناظر بر آن تنها تفاوت زمانی برای طرح این شعارها و خواسته های زنان در جوامع مختلف را سبب شده است. و این در حالی است که حکومت ها همیشه تلاش کرده اند آن را به ویژگی ملی، مذهبی، قومی و نژادی منتسب کنند تا مانع گسترش و تعمیق طرح خواسته ها شده و امکان سرکوب جنبش نافرمانی زنان را به دست آورند. سیستم سرمایه داری با تکیه بر هیپراشی مردسالارانه، در آفریقای سیاه، آسیا و آمریکای لاتین، بر همان تعاریفی از خصوصیات زنانه و نقش او در خانواده و میزان ارزش او در مذهب تکیه می کند که دولت های مدرن اروپای صنعتی در چند دهه گذشته تلاش می کرده اند تا با تکیه بر آن ها، رشد جنبش رهایی طلب زنان اروپا را مانع شوند و آن ها را به ادامه نقش سرویس دهی بی مزد و موجب در خانه و اجتماع برای بازتولید نیروی کار وادارسازند. جای ذکر تاریخ همه جوامع در این نوشته نیست ولی ذکر پرده ای از این نمایش تکراری تاریخ، مثالی گویاست.

کشور آلمان، یکی از پیشرفته ترین کشورهای اروپای صنعتی، با تاریخ، اعتقادات

بقیه در صفحه ۳

علی رغم حضور گسترده و موفقیت چشم گیر دختران جوان مان در دانشگاه ها و آموزش عالی، حضور زنان در عرصه های اشتغال، اجتماع و مصادر تصمیم گیری تابع تقسیم کار سنتی جامعه باقی مانده و بازتاب دهنده موقعیت زن در خانواده است. اشتغال زنان بیشتر در بخش خدمات متمرکز شده است. فعالیت های اجتماعی زنان شامل مددکاری های بی مزد و موابجی است که بخش پوشش تشکلهای غیر دولتی را به خود گرفته و نیروی زنان را، بدون پرداخت هزینه ای آن، در سرویس دهی اجتماعی به کار می گیرد. و در مصادر تصمیم گیری زنان کماکان در زیر هرم قدرت مردانه جای داده می شوند.

۸ مارس تنها اعلام جهانی بودن ستمی نیست که بر زنان روا می شود، بل که هم چنین بازگوکننده پیوند مبارزه ای است که در سطح جهانی برای از بین بردن استثمار جنسی و تعدیل نابرابری اجتماعی جاری است. ستم و استثمار جنسی زنان به گستردگی جغرافیای زمین و به عمق تاریخ تشکیل دولت ها جریان داشته و دارد. از این روست که جهانی نامیدن روز زن از سوی زنان آگاه و پیشرو جوامع مختلف و نیروهای عدالت طلب، چه در دنیای صنعتی پیشرفته و چه در کشورهای غیر مدرن با درجات مختلف رشد صنعتی، مورد استقبال قرارگرفت و به اعلام هم بستگی بین المللی زنان مبدل شد.

من بر سر این سفره خون آلوده

نمی نشینم

علی اشرف درویشیان

نامه ی سرکشاده

به: هیئت دبیران کانون نویسندگان ایران

کاوه گوهرین

در صفحه ۴

گزارشات آکسیون های پاریس و گوتنبرگ - سوئد

دنباله از صفحه ۱ اعلام وضعیت فوق‌العاده

وضعیت فوق‌العاده بوده‌اند و طرح‌های خود را نیز به دقت آماده کرده‌اند. و اکنون تهدیدات جنگ‌طلبان آمریکایی بهترین فرصت را فراهم آورده است تا آن‌ها را به مورد اجراء بگذارند. و این بار سخنان جورج بوش، و گنجاندن نام ایران در محور سه‌گانه‌ی شر، توجیهات کافی برای جنگ‌افروزان تمامیت‌خواه فراهم آورده است.

تمامیت‌خواهان نیک می‌دانند اعلام وضعیت فوق‌العاده، گامی است که آمریکا را در پیش‌برد برنامه‌های خود مصمم‌تر می‌کند. آن‌ها در کنار تهدیدات آشکار فرماندهان نظامی و برخی شخصیت‌های صاحب‌نفوذشان، با ایجاد شرایط فوق‌العاده روی تهاجمات نظامی آمریکا حساب باز می‌کنند. و جنگ‌طلبان آمریکایی نیز می‌دانند که تندتر کردن لحن سخنان‌شان و یا عملی کردن پاره‌ای از تهدیدات‌شان در منطقه و در قبال ایران، وزن تمامیت‌خواهان در رژیم اسلامی را بالا برده و آن‌ها را به اقدامات سرکوب‌گرانه‌ی بیشتری وامی‌دارد. و همین اقدامات سرکوب‌گرانه، خود بهانه‌های جدیدی در اختیار جنگ‌طلبان آمریکایی و نوکران‌شان قرار می‌دهد تا با اتکاء به فاکت‌های روشن، روی افکار عمومی مردم آمریکا و جهان تأثیر گذاشته و مقاومت هم‌پیمانان‌شان را در هم بشکنند. در این‌جا به روشنی می‌توان ائتلاف منفی دو نیروی اصلی صحنه‌ی درگیری‌ها را دید. زیرا آن‌ها در سرکوب جنبش نوپای مردم کشور هم‌نظر هستند. تمامیت‌خواهان از اهرم "مبارزه ضدآمریکایی" برای سرکوب استفاده می‌کنند و آمریکا و نوکران‌اش نیز روی انفعال مردم و باز شدن راه حضور بلامنافع‌شان در آینده ایران حساب باز می‌کنند.

پس هدف اصلی از اعلام وضعیت فوق‌العاده، حاکم کردن شرایط جنگی بر کشور، تسویق آمریکا برای عملی کردن نقشه‌های خود و خفه کردن هر نوع حرکت مردمی است. سرکوب جنبش مردمی در سال‌های گذشته، یکی از الویت‌های دستگاه ولایت بوده است. و انتقاد اصلی‌شان به اصلاح‌طلبان این بوده است که عمق و دامنه‌ی جنبش براندازی توده‌ای را درک نکرده و به ستون پنجم دشمن تبدیل شده‌اند. بنابراین اولین و مقدم‌ترین هدف ایجاد شرایط جنگی بر کشور، در هم شکستن جوانه‌های حرکت‌های مردمی است. حرکت‌هایی که چه توسط کارگران در کارخانه‌ها انجام می‌گیرد؛ چه توسط معلمان در این‌جا و آن‌جا خود را نشان می‌دهد؛ چه بیان فریاد جنبش دانشجویی است؛ چه به صورت اعتراضات جنبش جوانان جلوه می‌کند؛ چه در هیئت مقاومت زنان کشور در برابر تبعیضات اسلامی و آپارتاید جنسی خود را نشان می‌دهد و چه به صورت اعتراضات خلق‌های تحت ستم بروز می‌کند.

اما برای این‌که تیغ سرکوب جنبش مردمی هر چه برنده‌تر عمل کند، باید به نقش اصلاح‌طلبان که مانع ایجاد قدرت یک‌پارچه سرکوب می‌شوند، پایان داد. از این‌رو محدود کردن نقش اصلاح‌طلبان و نهادهای "قانونی" که در آن سنگر گرفته‌اند، نیز یکی دیگر از اهداف اعلام وضعیت فوق‌العاده است. و این، توجه اصلاح‌طلبان را نیز به طور جدی به خود مشغول کرده است. و مدام از این زاویه به طرح وضعیت فوق‌العاده حمله

می‌کنند. تمامیت‌خواهان در این راستا قصد دارند تا آن‌جا که ممکن است، در جریان برپایی وضعیت فوق‌العاده، اصلاح‌طلبان سازش‌کار را با خود هم‌سو کرده و برخی از طرح‌های‌شان را به دست آن‌ها پیش ببرند و هم‌زمان کار اصلاح‌طلبان موی دماغ و یا رادیکال را با آمریکایی دانستن‌شان نیز یک‌سره کنند. درست در چنین شرایطی است که می‌توان با اهرم مبارزه با فساد، سناریوهایی هم‌چون دادگاه شهرام جزایری را به شکلی مؤثر برای سرکوب مخالفین درونی به کار گرفت. بی‌جهت نیست که خامنه‌ای در سخنان‌اش در مراسم عیدغدیرخم در مشهد، مبارزه با مفاسد اقتصادی را یکی از الویت‌های کاری رژیم اعلام کرد که پایه‌یای "مبارزه با آمریکا" باید عملی شود. و روزنامه «رساله» در سرمقاله ۱۶ اسفند خود با اشاره به این سخنان نوشت: «پس اکنون جامعه نیازمند آفت‌زدایی از اقتصاد و سیاست است. قوه قضائیه و دستگاه‌های مسوول کشور در محاکمه و معرفی گروه‌ها و افراد فاسد تسریع نمایند و درک ارتباط پیرونده‌های فساد اقتصادی با انحرافات و کارشکنی‌های سیاسی را بر عهده مردم مسلمان ایران بگذارند».

برای این‌که در هم‌شکستن مقاومت اصلاح‌طلبان به آسانی صورت گیرد و هم‌چنین سرکوب جنبش مردمی بازتاب گسترده‌ای نیابد، لازم است که مطبوعات زبان در کام کشند و خط‌قرمزهای نهادهای نظامی و امنیتی را به دقت رعایت کنند تا متهم به ستون پنجم دشمن و کارشکنی در مبارزه‌ی به اصطلاح ملی علیه آمریکا نشوند. از این‌رو بستن دهان مطبوعات و دیگر رسانه‌ها و به سکوت واداشتن نویسندگان و هنرمندان از دیگر هدف‌های طرح اعلام وضعیت فوق‌العاده است. تمامیت‌خواهان نیک می‌دانند که علی‌رغم تمامی اقدامات سرکوب‌گرانه‌شان علیه مطبوعات در سال‌های اخیر، هنوز نتوانسته‌اند سکوت گورستانی مورد نظر را بر کشور حاکم کنند. و حال فرصت بدست آمده‌ی گنونی می‌تواند در صورت موفقیت به این آرزوی‌شان جامه‌ی واقعیت ببوشاند.

اما در کنار این هدف‌های سیاسی و فرهنگی، هدف‌های اقتصادی را نیز باید به حساب آورد. از زمانی که با بالا رفتن قیمت نفت، چندین میلیارد دلار مازاد ارزی بوجود آمد، تمامیت‌خواهان مدام برای بلعیدن این مازاد ارزی دندان تیز کرده‌اند. آن‌ها هم‌چنین از تلاش‌های اصلاح‌طلبان برای کنترل و یا تحقیق و تفحص منابع اقتصادی تمامیت‌خواهان به شدت ناراضی‌اند. از این زاویه است که قصد دارند با اتکا به شرایط فوق‌العاده، بودجه کشور را کنار گذاشته و اقتصاد جنگی را حاکم سازند. زیرا می‌دانند کنترل بر چنین اقتصادی دیگر امکان‌پذیر نخواهد بود.

اما درست در شرایطی که یکی از هدف‌های اعلام وضعیت فوق‌العاده محدود کردن نقش اصلاح‌طلبان است و درست در شرایطی که اصلاح‌طلبان مدام تمامیت‌خواهان را به بهانه دادن به آمریکا برای دخالت در امور داخلی ایران متهم می‌کنند و نسبت به ابعاد این خطر آگاهند و هشدار می‌دهند، اما حاضر نیستند هیچ گام عملی برای مقابله با این وضعیت به شدت خطرناک بردارند. اقدامات آن‌ها از حد نق‌زدن‌های بی‌خاصیت فراتر نمی‌رود. در حالی که می‌توانند از بسیاری از اهرم‌های

قانونی‌هاش استفاده کرده و مانع اقدامات جنگ‌افروزانه‌ی تمامیت‌خواهان شوند. آن‌ها حتی در این شرایط نمی‌خواهند دست به اقداماتی بزنند که جنبش مردمی وارد صحنه شود. زیرا هم‌چون گذشته نشان داده‌اند که از جنبش مردمی بیش از تیغ عریان دستگاه ولایت هراسانند.

وقتی به هدف‌هایی که تمامیت‌خواهان برای اعلام وضعیت فوق‌العاده در پیش گرفته‌اند نظری می‌افکنیم، به خوبی در می‌یابیم که عدم مقاومت در مقابل این اقدام، ضربه‌ای اساسی به جنبش آزادی‌خواهانه، عدالت‌جویانه و استقلال‌طلبانه‌ی مردم ایران وارد خواهد آورد. اگر تمامیت‌خواهان در هدف‌های خود موفق گردند، جنبش مردمی برای یک دور دیگر مجبور به عقب‌نشینی شده و امکانات تاکتونی خود را از دست خواهد داد. از این‌روست که باید مقاومت گسترده‌ای را در برابر اقدامات دستگاه ولایت و طرح‌های کودتایی‌شان سازمان داد. این اقدامات باید دو بازو داشته باشد. بازوی اول- باید با اتکاء به تمامی امکانات بین‌المللی، تلاش‌های جنگ‌طلبانه سران آمریکا را افشاء و خنثی کرد و با کمک گرفتن از افکار عمومی و نیروهای صلح‌دوست و آزادی‌خواه جهان مانع تشدید شرایط کنونی که عملاً به نفع تمامیت‌خواهان رژیم اسلامی است، گردید و آمریکا را مجبور به تجدیدنظر در سیاست‌های سلطه‌جویانه‌اش در ایران کرد. روشن است که در این میان خنثی کردن نقش نیروهایی که قصد دارند با کمک آمریکا از این نمد برای خود کلاهی بدوزند، نیز وظیفه‌ای است که نباید فراموش شود. و بازوی دوم- بسیج توده‌ای هر چه گسترده‌تر چه در ایران و چه در خارج علیه اقدامات جنگ‌افروزانه تمامیت‌خواهان دستگاه ولایت است. در این رابطه سازمان‌دهی گسترده‌ی هم‌کاری‌های و هم‌آهنگی دموکراتیک برای افشای هدف‌های جنگ‌طلبان رژیم، برای بسیج گسترده توده‌های مردم و دفاع از خواست‌های‌شان و برای سازماندهی نافرمانی مدنی و یک مقاومت فراگیر در مقابل دشمنان داخلی و خارجی جنبش مردم ایران یک ضرورت اساسی است. و درست در چنین شرایطی سازماندهی گسترده نافرمانی مدنی برای درهم شکستن اقدامات سرکوب‌گرانه تمامیت‌خواهان، می‌تواند ماشین جنگی‌اش را در شرایط دشواری قرار دهد. نافرمانی مدنی مردم که می‌تواند از اقدامات کوچک و جزیی تا اقدامات گسترده توده‌ای را شامل شود، قادر خواهد بود تمامی برنامه‌ریزی‌های جنگ‌افروزان رژیم را در هم بشکند و هم‌زمان صدای مستقل مردم ایران را به گوش جهانیان برساند. زیرا با بلند شدن صدای مستقل و حرکت‌های مستقل مردمی، این امکان از جنگ‌طلبان آمریکایی و هم‌راهان‌شان نیز گرفته خواهد شد تا خود را به جای صدای حق‌طلبانه‌ی مردم جا بزنند و اقدامات سلطه‌جویانه‌شان را توجیه کنند و به نیابت از مردم برای‌شان حکومت تعیین کنند و برای آینده‌شان تصمیم بگیرند. بدون سازماندهی یک مقاومت گسترده، تمامیت‌خواهان و مؤتلفین جنگ‌طلب آمریکایی و نوکران‌شان، شرایط سرکوب جنبش مردمی را بیش از پیش فراهم آورده و به مرحله‌ی عمل در خواهند آورد.

کارگران کارخانه شادان پور جاده تهران-کرج را بند آوردند!

صبح روز سه شنبه ۱۴ اسفند ۸۰، حدود ۵۰۰ تن از کارگران کارخانه کفش شادان پور، در اعتراض به تاخیر در پرداخت حقوق یک‌ساله خود، با تجمع در میدان شیر پاستوریزه واقع در جاده قدیم تهران-کرج دست به اعتراض زدند. طبق گزارش "جامعه آزاد"، کارگران با آتش زدن لاستیک در یک‌سوی جاده و تجمع در سوی دیگر آن، مانع حرکت اتومبیل‌ها شده و جاده مزبور را مسدود کردند.

حرکت کارگران شادان پور در شرایطی صورت می‌گیرد که در دو هفته اخیر ما شاهد اعتراضات چندین هزار کارگر کارخانه جات گوناگون در نقاط مختلف کشور بوده‌ایم. تخمین چند روزه کارگران کارخانه بارش اصفهان که از روز شنبه ۶ اسفند ۸۰ در اعتراض به عدم پرداخت حقوق معوقه ۸ ماهه خود در برابر بنیاد مستضعفان دست به تخمین زده و جاده مواصلاتی تهران-اصفهان را بند آوردند، حرکت اعتراضی کارگران قطعات فولادی کرج که در سه شنبه هفته قبل در اعتراض به عدم پرداخت حقوق معوقه ۹ ماهه خود جاده تهران-کرج را بند آوردند، و اعتراضات کارگری دیگر در مازندران، گیلان، دماوند ... ، از جمله این اعتراضات کارگران است که به‌ویژه با نزدیک شدن عید و برجستگی کابوس فقر و ناداری رو به گسترش است.

کارگران شادان پور در سال گذشته با حمایت از حرکت اعتراضی کارگران چیت ری راه برون رفت از دایره بسته کنونی اعتراضات کارگری را نشان دادند. این راه چاره "وحدت و تشکیلات" است. اکنون که جوی‌بارهای اعتراضات کارگران، معلمان، پرستاران، ک لایه‌های مختلف طبقه واحدی را تشکیل می‌دهند که با فروش نیروی کارشان زندگی می‌کنند، رو به گسترش است، تنها راه مقابله با خطر فلاکت و استبداد، پیوند این جوی‌بارهای پراکنده و ایجاد یک سیلاب نیرومند در راه تحقق مطالبات آنان است.

شماره ۶۴۸

هیئت اجرایی سازمان کارگران انقلابی ایران
(راه کارگر)

۱۵ اسفند ۱۳۸۰ - ۶ مارس ۲۰۰۲

«رادیو برابری»

«رادیو برابری» تریبونی است برای اطلاع‌رسانی، برای شکستن دیوار سانسور و اختناق و انعکاس صدای همه کسانی که در ایران امروز برای آزادی و برابری تلاش و مبارزه می‌کنند.

برنامه‌های «رادیو برابری» هر روز ساعت هشت و نیم شب به وقت تهران برابر با شش بعدازظهر به وقت اروپای غربی بر روی فرکانس ۷۴۸۰ کیلوهرتز ردیف ۴۱ متر پخش می‌شود. برنامه‌های «رادیو برابری» هم‌زمان از طریق اینترنت در همه نقاط دنیا قابل دریافت است.

آدرس سایت برابری www.radiobarabari.net

می‌باشد. در صفحه اینترنتی برابری آرشیو برنامه‌های «رادیو برابری» در اختیار شما قرار دارد.

در مقابل شوهر، خانواده و اجتماع و هم‌چنین کار خارج از خانه خود را آماده کرده‌اند. زنان تنها در دوره‌های معینی از زندگی‌شان که وظایف آن‌ها در مقابل خانواده و خانه‌داری زیرگرفته نمی‌شود به کار خارج از خانه می‌پردازند و تنها زمانی که موقعیت خانوادگی آنان به آنان اجازه دهد به فعالیت‌های اجتماعی رو می‌آورند. در واقع گزارش دولت وقت آلمان اولویت سرویس‌دهی زن در خانواده را به عنوان اولین وظیفه زن به او گوش‌زد می‌کرد.

زنان آلمان اکنون سال‌هاست که این مراحل را از سرگذرانده‌اند و حاکمین مرد سالار سرمایه‌دار را قدم به قدم به عقب رانده‌اند. دهه شصت و هفتاد شاهد تظاهرات، گسترش دامنه خواسته‌های زنان و به زیر سوال کشیده شدن پایه‌های استبدالی چنین قوانینی بود. تردید در ارزش‌گذاری‌ها و نافرمانی در مقابل قوانین نوشته و نانوشته. امروزه در آلمان تعریف از نقش زن در خانواده چنان دچار دگرگونی شده که قوانین ۴۰-۵۰ سال پیش گویا به سده‌های میانی تعلق دارند. این تغییر تعاریف زمانی در شکل توده‌ای خود طرح و پیش برده شد که زنان در دهه‌های مزبور (شصت - هفتاد) با طرح شعار "آن‌چه شخصی است سیاسی است" سیاست مبتنی بر جسم خود را که از سوی جامعه و قوانین مردسالارانه حاکم بر آنان تحمیل می‌شد زیر سؤال بردند و حق خود بر بدن‌شان را خواستار شدند. در همین دهه‌هاست که بکارت دختر در زمان ازدواج، حق سقط جنین، کنترل مرد بر روابط جنسی زن از طریق پدر، برادر و شوهر مورد سوال قرار می‌گیرد و پایه‌های حق مالکیت مرد بر بدن زن دچار ریزش می‌شود.

تعریف از وظایف و حقوق زنان، نقش او در خانواده و جای‌گاه او در مذهب نه ویژگی ملی ست و نه ویژگی مذهبی. نگذاریم با حقنه کردن تفاوت‌های ظاهری جوامع، پیوند زنان کشورهای مختلف و مبارزات رهایی‌طلبانه‌شان کم‌رنگ شوند. برای ساختن جامعه‌ای سالم مبتنی بر عدالت اجتماعی نمی‌توان ناظر بی‌طرف استثمار جنسی نیمی از جامعه توسط نیمه دیگر باقی ماند. آنان که خواستار ساختن دنیایی عادلانه‌تر هستند نمی‌توانند این مهم را نادیده بگیرند. در ایران امروز نمی‌توان ادعای ترقی‌خواهی کرد و بر اعمال سیستم آپارتاید جنسی و عوارض ناشی از آن به‌ویژه در درازمدت، چشم فروبست. تاریخ این را بر مدعیان نخواهد بخشید.

دنباله از صفحه ۱ به گرامی‌داشت جهانی

مذهبی به‌ظاهر متفاوت از ما، دنیای به‌ظاهر مقابل کشور ماست. در مارس سال ۱۹۴۹ در قانون اساسی آلمان برابری حقوقی زن و مرد اعلام شد ولی با این‌همه در حقوق شهروندی، زنان از حقوق برابر با مردان برخوردار نبودند. در حقوق شخصیه، مالیات، تابعیت، کارمندان دولتی و... برتری جای‌گاه مرد تأمین بود. در سال ۱۹۵۳ هنگامی که با تکیه بر قانون اساسی، که تمام آحاد ملت جدا از جنسیت‌شان در برابر قانون برابر نامیده شده بودند، تفاوت حقوقی بین زن و مرد در قانون مالیات تغییر یافت، قانون‌گذار در تدوین قانون جدید لازم دیده بود تأکید کند که برابری زن و مرد در قانون به معنای مشابه دانستن دو جنس نیست بل که تنها ارزش مساوی آن‌هاست. در واقع قانون‌گذار بر آن تأکید می‌کرد که با برابر دانستن حقوقی زن و مرد نباید در جامعه نسبت بع نقش مفعولی زن در مقابل مرد در اجتماع تردید ایجاد شود. در سال ۱۹۵۷ در هنگام اعلام برابری حقوق زن و مرد، در قانون تأکید می‌شود: «ریاست خانواده از خصایص مرد است و او نفقه‌دهنده خانواده است. در عین حال زن متعهد است که قلب خانواده باشد». پس از این تعریف اولیه است که قانون تأکید می‌کند که «کار خارج از خانه زنان زمانی جایز شمرده می‌شود که به وظایف زناشویی و تعهدات زن در مقابل خانواده صدمه وارد نشود». این استدلالات آشنا بدین‌جا ختم نمی‌شود. در پاراگراف دیگری قانون‌گذار تأکید می‌کند که زن زمانی اجازه کار خارج از خانه دارد که نیروی مرد خانواده و درآمد او کفاف خرج خانواده را ندهد.

پیشرفت جامعه، واقعیات مناسبات تولیدی رشدیافته و گسترش مبارزات رهایی‌طلبانه زنان این تصویر از خانواده در قانون را از اعتبارساقط کرد. با گسترش نافرمانی زنان، و شکل‌گیری تظاهرات گسترده در خیابان‌ها و اماکن عمومی، فراکسیون سوسیال‌دمکرات در مجلس آلمان، در سال ۱۹۶۲ از دولت دمکرات مسیحی حاکم که این قوانین را از مجلس گزارنده بود خواستار شد تا گزارشی از چگونگی وضعیت زنان در حوزه کار، خانواده و اجتماع در جامعه آلمان به مجلس ارائه دهد. در این گزارش که توسط حزب دمکرات مسیحی به مجلس داده شد، اساس وظایف زن بر خانه‌داری، شوهرداری و بچه‌داری گذاشته شده بود. گزارش تأکید می‌کرد که زنان برای انجام وظایف خود

در اعتراض به گنجانده شدن نام چندین تن از نویسندگان کشور در لیست مدعوین همایش بین المللی ادبیات داستانی که از روز ۱۴ اسفند ۸۰ در جزیره کیش برگزار شد، علی اشرف درویشیان و کاوه گوهرین نامه‌های اعتراضی انتشار دادند. در پی آن روزنامه‌ی «نوروز» در روز سه‌شنبه ۱۴ اسفند ۸۰ خبر داد که جواد مجابی نیز در همایش شرکت نخواهد کرد و برای شرکت در سمینار فرهنگی ادبی که توسط انستیتو گوتته در آلمان در ۲۰ اسفندماه برگزار می‌شود راهی این کشور می‌شود. هم چنین خبر می‌رسد که محمود دولت‌آبادی که قبلاً نام‌اش در میان مدعوین همایش کیش آمده بود اعلام کرده است که به علت فوت برادرش در این همایش شرکت نمی‌کند. ما برای اطلاع خوانندگان گرامی متن کامل نامه‌های کاوه گوهرین و علی اشرف درویشیان را در این جا چاپ می‌کنیم. تک‌برگی راه کارگر

نامه‌ی سرکشاده

به: هیئت دبیران کانون نویسندگان ایران

به استناد گزارش نماینده هیئت دبیران کانون، ارائه شده در جلسه‌ی جمع مشورتی مورخه ۱۳۸۰/۱۱/۳۰، دبیران فعلی کانون قصد و تصمیم بر آن دارند که با مراجعه به دوائر دولتی از جمله وزارت ارشاد، در صدد ثبت رسمی کانون برآیند!!

بدیهی است که به مصداق، پرنده برای پرواز از کسی اجازه نمی‌گیرد و قناری هم برای آواز خواندن منتظر ثبت رسمی و اجازه‌ی کسی نخواهد بود، نویسندگان و شاعران آزاداندیش این سرزمین نیز نیازی به صدور مجوز و ثبت رسمی ندارند و پی‌گیری و تحقق چنین پروژه‌ای به جز پرتاب کردن «کانون نویسندگان ایران» به دامن دولت و فعالیت در چهارچوب خواسته‌های آنان، ثمره‌ی دیگری نخواهد داشت و هم چنین موجب خدشه در اساسنامه و منشور کانون نیز خواهد بود که خون‌بهای عزیزانی هم چون زنده‌یادان مختاری و پوینده است. از سوی دیگر خبر می‌رسد که قرار است نشست‌ی به میزبانی دفتر گفت‌وگوی تمدن‌ها و تشکیلات دولتی دیگری نظیر آن در جزیره «آزاد» کیش با حضور نویسندگان داخلی و خارجی بر پا شود. دولت می‌تواند تا دل‌اش می‌خواهد از این قبیل مجامع بر پا کند، اما این‌که جمعی از اعضای کانون نویسندگان نیز در این قبیل نمایش‌های تبلیغاتی و خیمه‌شب‌بازی‌ها حاضر باشند حدیث دردناک دیگری است... و توجیهاتی از این قبیل که جزیره کیش یک جزیره آزاد است و یا دفتر گفت‌وگوی تمدن‌ها یک نهاد غیردولتی است، راهی به هیچ کوره‌دهی نخواهد برد و اعتبار و شأن کانون نویسندگان ایران را مخدوش خواهد کرد.

به هیئت دبیران کانون، نصیحت دوستانه و مشفقانه می‌کنم که در مقابل این قبیل دسایس با هوشیاری بایستند و اعضای کانون را از نشستن بر سر چنین سفره‌های خون‌آلوده‌ای برحذر دارند. در غیر این صورت هیئت دبیران مختار است که از لحظه ثبت کانون توسط نهادهای دولتی، مرا به عنوان یک عضو مستعفی تلقی کند، چرا که عضویت در یک کانون دولتی و اخته شده، هیچ شأن و اعتباری برای هیچ نویسنده‌ی آزاداندیشی نخواهد داشت...

کاوه گوهرین-عضو کانون نویسندگان ایران

ایران/تهران جمعه سوم اسفندماه ۱۳۸۰-۲۲ فوریه ۲۰۰۲

گزارش اکسیون گوتنبرگ _ سوئد

بدعوت «کمیته همبستگی با مبارزات مردم ایران-گوتنبرگ سوئد» شنبه دوم مارس ۲۰۰۲ در هوای سرد و برفی، ده‌ها تن از آزادی‌خواهان ایرانی، فعالین گروه‌ها و نهادهای اجتماعی و فرهنگی به هم‌راه پناه‌جویان ایرانی در میدان پرنس پارکن اجتماع اعتراضی کردند. این حرکت در دفاع از دادخواهی تمامی زندانیان سیاسی و عقیدتی در سراسر ایران، هم‌زمان با حرکت اعتراضی «انجمن دفاع از زندانیان سیاسی و عقیدتی در ایران _ پاریس» صورت پذیرفت. اجتماع کنندگان با شعارهای خود به زبان‌های سوئدی خواهان آزادی بدون قید و شرط تمامی زندانیان سیاسی شدند. فعالین کمیته با توزیع تراکت خبری به‌زبان سوئدی اقدام به پخش اخبار سلسله حرکات اعتراضی زنان، دانشجویان، دانش آموزان، معلمان، پرستاران، روشن‌فکران ترقی‌خواه، کارگران و زحمت‌کشان شهر و روستا، اقلیت‌های ملی و مذهبی، روزنامه‌نگاران و وضعیت اسفبار هزاران هزار زندانی سیاسی در زندان‌های ایران، نموده و خواستار آزادی همه آنان، از جمله عباس امیر انتظام و پشتیبانی از نامه سرکشاده او شدند. شرکت‌کنندگان این اکسیون هم چنین به افشای بازسازی ستاد قتل‌های زنجیره‌ای و گروه‌های فشار اداره اماکن پرداختند که با فراخواندن نویسندگان و روشن‌فکران بعد از ربودن سیامک پورزند، اوضاع وحشتناک دیگری را بر جنبش روشن‌فکران ایرانی تحمیل نمودند که مرگ محمدعلی سفری وکیل عباس امیرانتظام و دانشجوی زندانی احمد باطبی، از جمله آن می‌باشد. تجمع کنندگان با پخش صدها برگ تراکت در فاصله برپائی اکسیون بین ره‌گذران سوئدی و خواندن متن اطلاعیه توجه عابری را جلب نموده و عده زیادی از آنان در کنار اجتماع کنندگان طومار دفاع از زندانیان سیاسی و نامه سرکشاده عباس امیر انتظام به دانیل میتران و ایرانیان خارج کشور را امضاء کردند. «کمیته همبستگی با مبارزات مردم ایران-گوتنبرگ» امر دفاع از زندانیان سیاسی و پشتیبانی از آنان را به اشکال مختلف ادامه می‌دهد.

گزارش تظاهرات پاریس

درپاسخ به دعوت انجمن دفاع از زندانیان سیاسی و عقیدتی در ایران - پاریس جمع کثیری از ایرانیان مقیم پاریس در روز شنبه ۲ مارس ۲۰۰۲ در میدان باستیل پاریس گرد آمدند و با سردادن شعار و بر افراشتن پلاکارد و با پخش اعلامیه صدای دادخواهی زندانیان سیاسی ایران شدند، تظاهر کنندگان با امضاء طومار حمایت خود را از خواست عباس امیر انتظام قدیمی ترین زندانی سیاسی ایران و نیز اقدام خانم دانیل میتران و بنیاد فرانس لیبرت (در حمایت از خواست امیر انتظام) اعلام داشتند.

هم چنین تظاهر کنندگان تجدید سازماندهی ستاد قتل‌های زنجیره‌ای را محکوم کرده و مرگ آقای محمد علی سفری وکیل ، روزنامه نگار و نویسنده را نتیجه مستقیم این سیاست رژیم جمهوری اسلامی دانستند. جمعیت حاضر در میدان باستیل ضمن دفاع از مطالبات جنبش مستقل معلمان خواهان آزادی بی قید و شرط معلمان زندانی و دیگر زندانیان سیاسی و عقیدتی شدند ، و از تمامی نیروهای آزاده جهان دعوت نمودند که مبارزه خود را در جهت اعزام یک هیئت بین المللی و مستقل ، متشکل از سندیکالیست‌ها، حقوق دانان و فعالان مبارز در راه حقوق بشر ، برای بازدید از زندان‌ها و شرکت در محاکمات سیاسی در ایران شدت به بخشند.